

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

معرفی و نقدی بر نسخه خطی «جنگ اسکندر میرزای تیموری»

(ص ۱۵۶-۱۳۵)

موسی وصفی قراولخانه^۲، امید مجد (نویسنده مسئول)،^۳ محمد رضایی^۴،

حسین کیا^۵

تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۸

چکیده

از منابع بسیار مهم در زمینه معرفی شاعران فراموش شده و یا بازیابی و تصحیح برخی از اشعار از دست رفته یا مغلوط، جنگ‌هایی هستند که از سده‌های پیشین برجای مانده است. سبب تحریر این جنگ‌های ارزشمند گاه علاقه شخصی و گاه امرأ و سلاطین نامجو و هنرپرور است. چنانکه جنگ حاضر به دستور «جلال الدین امیرزاده اسکندر بهادر خان» و بنام وی نگاشته شده است؛ در اینگونه موارد کاتبان درباری که از سواد قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و از همه مهمتر به سبب حضور در دربار شاهان فضل‌دوست به منابع دست اول روزگار خود دسترسی داشته‌اند، برای انجام این امر مهم استخدام می‌شده‌اند. لذا چنین میتوان نتیجه گرفت که اینگونه جنگها از آن جهت که به دیوانهای کهن بسیاری از شاعران متقدم دسترسی داشته‌اند و نیز به سبب اینکه کاتبان آنها افراد فاضلی بوده‌اند که گاهی با شاعران هم عصر خود ملاقات یا مکاتبه داشته‌اند، بسیار مهم هستند. اما بلاشک، ورود اشتباه در نسخه‌های خطی و بویژه جنگها که از گستردگی و تنوع بسیاری برخوردارند معمول بوده، لذا باید با دقت نظر بیشتری به سراغ آنها رفت. هدف از نگارش این مقاله نیز معرفی و نقد جنگ اسکندر میرزای تیموری، یافتن محل اوراق مفقود شده و جای اصلی اوراق جابه‌جا شده و بررسی ویژگیهای محتوایی آن است. نیز با توجه به اینکه آقای اصغر مهدوی و ایرج افشار در سال ۱۳۶۵ نخستین مقاله را درباره این جنگ نوشتند و مندرجات آن را فهرست کردند، لازم دیدیم که به آن مقاله نیز بپردازیم و اشکالاتی را که آن مقاله در نوشتن نام شاعران و... دارد مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه: نسخه خطی، جنگ اشعار، اسکندر میرزای تیموری، جنگ‌های قرن نهم.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

(mosa_vasfi@alum.semnan.ac.ir)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (majdomid@ut.ac.ir)

۴- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

(Mohamad_rezaei@semnan.ac.ir)

۵- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

(h.kia@semnaniau.ac.ir)

**Introduction and critique of the manuscript of
" jung Eskandar Mirza Timur "**

Musa Vasfi^۱, Omid Majd^۲ (corresponding Author), Mohammad

Rezaei^۳, Hossein Kia^۴

Abstract

Anthologies are very important because of the variety of poems. As it is known, literary taste changes in every century, and poem that was popular at a time may not be much appreciated at another time. Certainly, these poems will be forgotten, and sometimes even the names of their poets are gradually forgotten. Anthology seems to be a safe place to preserve these poems and the names of their poets. Thus, by using them, one could find examples of poem from poets whose diwans have not been transcribed and have disappeared. This shows the importance of Anthologies. In addition to these advantages, manuscript anthologies have some drawbacks that need to be corrected so that researchers who refer to them do not go astray. Anthologies are very important sources for introducing forgotten poets or recovering and correcting some of the lost poems. These Anthologies were sometimes written for personal interest and sometimes for the King's command. This Anthologi is written on the order of "**Jalaluddin Amirzade Eskandar Bahador Khan**"; in such cases, literate scribes were hired to do so. These scribes have access to credible sources of their day. So these works are very important. But incorrect entry is common in manuscripts, especially Anthologies, which are widely used. Therefore, they should be considered more carefully. The purpose of this article is to introduce and critique "jung Eskandar Mirza Timur", find the location of missing pages and the main place of the moved pages and review its content features.

Keywords: Manuscripts; Anthologies; Eskandar Mirza;
Ninth Century Anthologies.

1- PhD Student in Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran (m.vasfi68@gmail.com)

2- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (majdomid@ut.ac.ir)

3- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran (Mohamad_rezaei@semnan.ac.ir)

4- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (h.kia@semnaniau.ac.ir)

مقدمه و معرفی اجمالی

جنگها از این جهت که برگزیده اشعار شاعران اعصار مختلف در آن گردآمده است از اهمیت بی حدی برخوردارند. این میراث وزین در برگیرنده صدها نام و هزاران بیت شعر است، که برخی از آنها یا به باد فراموشی سپرده شده اند و یا از گزند روزگار جان سالم به در نبرده و تکه و پاره بدست ما رسیده اند و یکی از راههای تصحیح آنها همین جنگها هستند. خوشبختانه مقالات متعددی از پژوهشگران زمان حاضر درباره اشعار نو یافته شاعران در جنگها و یا تصحیح دواوین بر اساس این منابع گرانسج نگاشته شده اند. اما لازم به یادآوری است که صحت انتساب اشعار در این گونه منابع، گاهی بسیار بحث برانگیز خواهد شد که در این مقاله این موضوع را بصورت محدودی در جنگ اسکندر میرزای تیموری بررسی خواهیم کرد.

جنگ اسکندر میرزا یک منبع تک نسخه ای است که سه کاتب بنامهای محمد حلوی، غیاث و ناصر، آن را در سالهای ۸۱۳ و ۸۱۴ برای اسکندر میرزای تیموری کتابت کرده اند و هم اکنون در کتابخانه ملی انگلستان نگهداری میشود. نخستین بار استاد مجتبی مینوی فهرستی از محتویات این نسخه ارزنده برای خود تهیه کردند که اکنون در کتابخانه وقفی ایشان نگهداری میشود (فهرستواره کتابخانه مینوی، دانش پژوه و افشار: ص ۴۸). پس از ایشان نیز آقای علی اصغر حکمت از این نسخه، عکسی برای خود تهیه کرده بوده که با کتابخانه ایشان به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران منتقل شده است (فهرست جنگ اسکندر میرزای تیموری، افشار و مهدوی: ص ۱۹۰). اما متأسفانه کیفیت این نسخه عکسی چندان خوب نیست. این مسئله را میتوان از فهرست جامعی که اصغر مهدوی برای این جنگ تهیه کرده و آقای ایرج افشار آن را در مجله فرهنگ ایران زمین در سال ۱۳۵۶ چاپ کرده اند دریافت؛ وی برخی از مواضع جنگ را نتوانسته بخواند و یا اشتباه خوانده است. خوشبختانه موزه بریتانیا تصویر تمام صفحات این کتاب را با کیفیتی بی عدیل در تارنمای خود قرار داده است تا علاقمندان به این حیطه بتوانند از آن استفاده کنند. نویسندگان این سطور در هنگام تصحیح این جنگ به بیناتی دست یافتند که میتواند دلیلی بر اهمیت این جنگ باشد:

۱- معرفی اشعار بیش از چهارصد شاعر که نام برخی از آنها نخستین بار است که در سلك شعرا دیده میشود.

۲- ضبط صورت صحیح نام شاعران در مواردی که تشابه اسمی باعث شده شعری در دیوان شاعر دیگری وارد شود.

۳- شمول این جنگ بر اشعاری که در دیوان شاعر نیامده است.

۴- ذکر اشعار معروفی همچون «قصیده مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام» از ذوالفقار شروانی که کم یابند.

۵- ضبط صورت صحیح ابیاتی که مصححان برخی از دیوانها و کتب چاپ شده، آن ابیات را نتوانسته‌اند بخوانند.

اما بجز این محاسن، این نکته نیز نباید مغفول بماند که کاتبان نسخه‌های خطی، به دلایل متعددی در هنگام کتابت دچار لغزش می‌شده‌اند که این لغزشها گاهی آیندگان را دچار گمراهی میکند.

از جمله لغزشهای کاتبان جنگ اسکندر میرزا بطور اجمال این موارد است:

۱- چنانکه میدانیم کاتبان ابتدا اشعار را با جوهر سیاه و قلمی ریز مینوشتند و سپس نام شاعر را با رنگ و قلمی دیگر در بالای آن شعر مرقوم میکردند. این امر گاهی کاتبان را دچار اشتباه میکرد و باعث میشد که نام شاعری را اشتباهاً در بالای شعر کس دیگری قرار دهند. این موضوع در این جنگ نیز دیده میشود.

۲- در این جنگ گاهی اغلاط املایی دیده میشود، در برخی موارد پیداست که این اشعار توسط شخص دیگری بر کاتب دیکته میشده.

۳- کاتب در بخش گزیده اشعار، گاهی اشعاری را دو یا سه بار در صفحات مختلف تکرار کرده است. در این تکرارها گاهی ابیاتی از شعر کم یا زیاد شده است و یا تنها صورت ضبط شده کلمات تغییر کرده است. در مواردی نیز یک شعر به دو نفر منسوب شده است.

۴- ابیاتی در جنگ دیده میشود که در نگاه نخست ارتباط دو مصرع با هم روشن نیست و با مراجعه به دیوان یا منابع دیگر در مییابیم که مصارع دو بیت با هم درآمیخته و تبدیل به یک بیت شده است.

۵- با وجود دقت نظر کاتب، گاهی دیده میشود که کلماتی بصورت نامفهوم نوشته شده‌اند این موارد ما را بر کاتب ظنین میکند که شاید این کلمات را نقاشی کرده باشد. همچنین در میان اشعار، ابیاتی بچشم میخورد که اشکال وزنی دارند، و نیز در مواردی، دیده میشود که کاتب کلمه‌ای را ننوشته و جای آن را سفید گذاشته است.

با توجه به مطالب فوق، لازم است که با وسواس و دقت نظر بیشتری به سراغ این جنگ نفیس رفت.

نگاه کلی بر محتوای جنگ اسکندر میرزای تیموری

این نسخه در تارنمای کتابخانه ملی انگلستان، ۵۴۶ برگ (۱۰۹۲ فریم) دارد که صفحات رو را با حرف «ر» و صفحات پشت را با حرف «۷» نشان میدهد؛ ما نیز در این مقاله تابع همین قاعده برای علامت اختصاری صفحات هستیم.

در صفحه ۵۴۳ یادداشت قابل تأملی به زبان فارسی و ترکی دیده میشود: «عدد اوراق ۵۵۲، پش یوز آلی یکی اوراقدر» یعنی پانصد و پنجاه و دو ورق است. این یادداشت طبیعتاً باید در آخرین برگ از جنگ نوشته شده باشد، بنابراین نظر صائب این است که اوراق بعدی را الحاقی و تعداد برگه‌های اصلی را ۵۴۳ برگ بدانیم. هرچند تشخیص نوع کاغذ از روی عکس چندان کار ساده‌ای نیست اما میتوان بر اساس رنگ کاغذ و محتویات آن، این نظر را اثبات کرد؛ رنگ اوراق ۵۴۴ الی ۵۴۶ یعنی سه برگ آخر، سفیدتر و ظاهراً جنسش نازکتر از اوراق اصلی است، همچنین ابیاتی که در برگه ۵۴۵ نوشته شده است بدون خط‌کشیهای معمول جنگ است. این ابیات مناجات‌نامه منسوب به ابوبکر صدیق با مطلع «جُدْ بِطُفِكَ [يَا إِلَهِي] مَنْ لَهُ زَادٌ قَلِيلٌ» (۱ بیت) و شعر حافظ با مطلع «ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی» (۲ بیت و یک مصرع) است که رسم الخط آن نیز با متن کتاب کاملاً متفاوت است.

بنابراین ما امروز از ۵۵۲ برگ که احیاناً صاحب پیشین جنگ به آن اشاره کرده است، تنها ۵۴۳ برگ را در اختیار داریم، یعنی کمابیش ۱۰ برگ از کتاب مفقود شده است. اما نگاهی کلی از آغاز تا انجام این کتاب بیندازیم.

سه صفحه نخست سفید است و در صفحات ۲۷ و ۳۰ در میان صفحه نوشته است:

(f.2v): اللَّهُمَّ أَبَدْ دَوْلَةَ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْخَاقَانِ الْأَعْدَلِ الْأَكْرَمِ سُلْطَانِ السُّلْطَانِينَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ (f.3r): ضَلَّ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ قَهْرْمَانَ الْمَاءِ وَالطِّينِ الْوَائِقِ بِالْمَلِكِ الْأَكْبَرِ جَلَالِ الدِّيَا وَالدِّينِ اسْكَندَرَ خَلَّدَ اللَّهُ مَلِكَهُ.

اشعار از صفحه ۳۷ آغاز میشود. صفحات این نسخه به دو بخش «حاشیه» و «متن» تقسیم شده است که در بخش حاشیه حدوداً ۳۰ بیت و در بخش متن حدوداً ۵۰ بیت شعر میگنجد. ما نیز در اینجا حاشیه و متن را از هم جدا کرده و بطور کلی نشان میدهیم که در صفحات مختلف چه مطالبی آمده است.

- آنچه در حواشی مرقوم شده است:

از ۳۷ الی ۱۱۲v: الهی نامه عطار.

مطلع: به نام آنکه ملکش بی زوال است به وصفش نطق صاحب عقل لال است در پایان الهی نامه نوشته است: تمام شد کتاب الهی نامه از گفتار سلطان العارفین و العاشقین مولی الموالی المتقدّمین و المتأخّرين فرید الدّین محمد المشتهر به عطار برد الله مضجمعه و روح روحه و نور مثواه اجعل بـ... الجنان مأواه فی یوم السبت سابع عشرین جمیدی الاول سنه ثلاث عشر و ثمانمائه والحمد لله وحده و صلی الله علی خیر

خلقه محمد و آله الطّیّبین الطّاهرین اجمعین و سلّم تسلیماً کثیراً علی ید العبد الضعیف
التّحیف الوائق بالملک الصّمد **محمد المشتهر بالحلوائی** احسن الله حاله و اصلح باله.

113r: حاشیه گل و بوته.

از 113v الی 142r: منطق الطّیر عطار.

مطلع: آفرین جان آفرین پاک را آنکه ایمان داد و روزی خاک را

بیت آخر: مرد چون افتاد در بحر خطر کی خورد یک لقمه هرگز بی خطر

از 142v الی 287r: گزیده اشعار در قوالب مختلف و از شاعران مختلف.

از 287v الی 294r: حاشیه سفید است.

از 294v الی 302r: منتخب نظام التواریخ (متن منثور).

جمله آغازین: "این کتاب را از تواریخ معتبر فراهم آورده و نظام التواریخ نام نهاده".
در پایان منتخب نظام التواریخ نوشته است: ایزد سبحانه و تعالی سایه معدلت و ظلّ
مرحمت پادشاه عالم عادل مالک رقاب الأمم مولی ملوک العرب و العجم ظلّ الله فی
الأرضین قهرمان الماء و الطّین المظفر علی الأعداء المنصور بنظر رب العالمین **جلال الدنیا**
والدّین اسکندر بهادر خلد الله تعالی مُلکه و سلطانه و اوضح علی العالمین عدله و احسانه
الی یوم الدّین پاینده و مستدام دارد بحق محمد و آله الطّیّبین و عترته الطّاهرین و سلّم
سلماً دائماً کثیراً کثیراً.

از 302v الی 332v: تحفه الغرایب: (متن منثور).

جمله آغازین: "حمد و سپاس پادشاهی را که عجایب صنع او و غرایب او بشمار است،
ذرات موجودات و انواع مخلوقات را او آفریدگار و نماینده صنع خود در سیّار و طیار و درود
و صلوات بر رسول مختار محمد و آله الابرار.

در پایان تحفه الغرایب نوشته است: تمام شد کتاب تحفه الغرایب بعون الله سبحانه و
تعالی و حسن توفیقه و الحمد لله علی خیر خلقه محمد و آله الطّیّبین الطّاهرین و سلّم
تسلیماً دائماً ابدأ سرمداً متصلاً کثیراً.

از 332v الی 338v: مدخل منظوم در علم نجوم.

مطلع: مرد دانا سخن ادا نکند تا به نام حق ابتدا نکند

در پایان مدخل منظوم مینویسد: صلوات الله و سلامه علیه و علی آله الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً. تمام شد مدخل منظوم در علم نجوم تحریراً فی عشرين جمادی الآخر سنه اربع عشر و ثمانمائه. کتبه العبد الفقیر محمد الکاتب.

از 339r الی 345r: حواشی منقش به خطوط اسلیمی و غیر اسلیمی.

البته در حواشی برخی از صفحات و در بین همان نقوش اسلیمی ابیاتی نوشته شده است که اشاره میشود.

[343v]: ای دفتر اقبال را نقش حواشی نام تو
بر لوح تقدیر از قضا حرف نخستین کام تو
دولت به کلک معدلت آیات فضل و مکرمات
بنوشته متن و حاشیه بر صفحه ایام تو

[344r]: نگین سعادت به نام تو باد
همه کار دولت به کام تو باد

[345r]: ای از بهشت جزوی و از خوبی آیتی
حق را به روزگار تو با ما عنایتی

از 345v الی 396v: خُفی علایی (متن منثور).

این کتاب دو بخش دارد که بخش دوم آن در صفحه 370v با عبارت «بخش دوم از خُفی علایی»، از بخش نخست جدا شده است.

در پایان نوشته است: این مختصر بیش از این احتمال نکند، داروهای دیگر از کتاب ذخیره خوارزمشاهی باید جُست. تمام شد خُفی علایی.

از 396v الی 398r: در علم بیطره (متن منثور).

جملات آغازین: این مختصر در علم بیطره یعنی بیماریهای چهارپایان و درین علم نه بیماری ستوران یاد خواهیم کرد.

در پایان نوشته است: تمام شد مختصر در علم بیطره بعون الله و حسن توفیقه و الصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین.

از 398r الی 403r: مرآه الاسکندری. (متن منثور)

جملات آغازین: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله القدوس السبوح الجامع بالحکمه بین الجسد و الروح و الصلوه والسلام علی الانبياء و رُسُلِهِ الکرام خصوصاً علی اکبر الأعظم محمد المرسل الی خیر الأمم و علی آله. اما بعد چنین گوید ضعیف نحیف جانی غیاث کرمانی که چون حکم مطاع واجب الاتباع خاقان اعظم سلطان عالم فرازنده رایت جهانگشای برازنده تاج و تخت جهان آرای سلیمان سریر پادشاهی جلال الدوله و الدین

الهی المستضی بدین الملک الأكبر، دارای ایران و توران **اسکندر** خلد الله ملکه و خلافته، سمت اصدار یافت که در اکسیر این فقیر کتابی بکند، هرچند که این من از آن رفیع‌تر است که دست هر طالب به ذروه بلند آن رسد خصوص که این کوتاه پایه، اما چون امکان امتناع ندید بقدر فهم خود آنچه از کتب استادان دریافته بود از رمز و لغت ایشان گشاده مرقوم گردانید و الله ولی الأتمام و آنرا **آیینة اسکندری** نام نهاد.

و در پایان مینویسد: الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی نبیّه و رسوله و خیر خلقه محمد و آله الطّیّبین الطّاهرین و سلّم سلیمّاً دائماً ابداً کثیراً کثیراً. کتبه العبد الضعیف المحتاج، الی رحمہ الله سبحانه و تعالی **محمد الکاتب الجلالی الاسکندری** خلد الله ملکه و سلطانه و خلافته فی سلخ ماه مبارک جمادی الاول سنه اربع عشر و ثمانمائه الهجری.

از **403v الی 420r**: نقوش اسلیمی و گل و بوته.

از **420v الی 504r**: کتاب جام جم اوحدی.

مطلع: قل هو الله لامرء قد قال من له الحمد دائماً متوال

در صفحه 504r چهار بیت پایانی کتاب جام جم آمده.

از **504v الی 533r**: کتاب سعادتنامه شبستری.

مطلع: حمد و فضل خدای عزّ و جل هست بر بنده واجب از اول

از **533v الی 539r**: نقاشی انسانها و حیوانات مختلف. در این بین تنها صفحه 534r سفید است.

539v: ادامه سعادتنامه.

بیت اول: به وسوس کند جهانی باز همچو شیطان به وقت عقد نماز

بیت آخر: می‌دهیم از کمال داد سخن تو چه کاری که نیست لایق من

540r: حاشیه گل و بوته.

540v: ادامه سعادتنامه. شش بیت است. که بدون ذکر تاریخ و نام کاتب و... به اتمام رسیده.

بیت آخر: همه یاران [من] بزرگ شدند در ریاضت همه سترگ شدند

از **541r الی 543v**، تنها دو صفحه 541v و 542v مینیاتور حیوانات است؛ بقیه صفحات سفید هستند.

از **544r الی 546v**: برگه‌ها الحاقی است.

– آنچه در متن مرقوم شده است:

1r الی 3r: همان مطالبی است که در بخش پیشین توضیح داده شد.

3v الی 28r: مخزن الاسرار نظامی.

مطلع: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هست کلید در گنج حکیم

در پایان چنین نوشته است:

تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب و الحمد لله حقّ حمده و الصلوة والسلام علی رسولہ و نبیہ من بعده و سلّم تسليماً كثيراً دائماً.

28v الی 89v: خسرو و شیرین..

مطلع: خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای

در پایان مینویسد: تمّت الكتاب بعون الملك الوهاب و الحمد لله حقّ حمده و الصلوة والسلام علی نبیہ محمدٍ من بعده.

90r: نقوش اسلیمی.

90v الی 138r: لیلی و مجنون.

مطلع: ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

در پایان مینویسد: تمّ الكتاب الموسوم به لیلی و مجنون و الحمد لله حقّ حمده و الصلوة والسلام علی نبیہ من بعده.

138v الی 190r: هفت پیکر.

مطلع: ای جهان دیده بود خویش از تو هیچ بودی نبوده پیش از تو

در پایان نوشته است: تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب والحمد لله حقّ حمده و الصلوة والسلام علی نبیہ محمدٍ و آله اجمعین.

190v الی 259r: کتاب شرفنامه اسکندری.

مطلع: خدایا جهان پادشاهی تو راست ز ما خدمت آید خدایی تو راست

در پایان مینویسد: تمّ الكتاب بعون الله الملك الوهاب.

259v الی 294r: کتاب اقبال نامه اسکندری.

مطلع: خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید

در پایان مینویسد: تمّ الکتاب الموسوم بخمسة نظامی، کتبه العبد محمد و الغفران جمادی الأولى سنه اربع عشر و ثمانمائه.

زمینه در این صفحه بصورت نه چندان زیبایی طلایی شده و بر روی برخی از حروف الف با جوهر قرمز علامت مد گذاشته.

از 294v الی 299v: شاهنامه فردوسی.

از 294v الی 296r: داستان سیاوش

مطلع: جهاندار سودابه را پیش خواند ورا با سیاوش به گفتن نشاند
انجام: چنین [است] کردار گردان سپهر نخواهد گشادن همی بر تو چهر

از 296r الی 299v: داستان بیژن و منیژه

مطلع: به نام خداوند گردان سپهر خداوند تیر و خداوند مهر
انجام: ز ایوان برفتند و بستند بار به توران نکردند بس روزگار

از 299v الی 301r: از منظومه همای و همایون خواجو.

کاتب این منظومه را بدون هیچ فاصله‌ای از ابیات شاهنامه آورده؛ گویی آن را با شاهنامه یکی دانسته است. تنها در میان ابیات این عنوان را آورده: «کشتن همای شاه زند دیو جادو را».

مطلع: شه شهسواران کشور گشای مه مهرورزان خورشید رای^۱
انجام: پس آنگه علمها برافراشتند به آهنگ چین راه برداشتند^۲

از 301v الی 314r: قصاید.

از شاعران مختلف است. قصیده نخست از انوری است، اما نام وی نیامده است.

مطلع: مقدری نه به آلت به قدرت مطلق کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق
بخش قصاید با قصاید مصنوعی از ذوالفقار شروانی، جمال الدین محمد بن شرف و فخری جرجانی به اتمام میرسد.

از 314v الی 340r: غزلیات.

از شاعران مختلف است. غزل نخست از عماد است، اما نام وی نیامده است.

مطلع: اسرار تو عشاق تو دانند کماهی آن نقطه نه خالیست که سرّیست الهی

۱- رک: (خمسه خواجو کرمانی: ص ۳۲۷).

۲- (خمسه خواجو کرمانی: ص ۳۳۴): "بگذاشته "

بخش غزلیات با غزلهای حسن دهلوی به اتمام میرسد. کاتب در پایان بخش غزلیات این عبارات را مرقوم کرده:

تمام شد غزلیات بعون الله سبحانه تعالی و حسن توفیقه و الصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین. کتبه الفقیر العبد محمد الکاتب الجلالی الخاقانی الأسکندری خلد الله سلطانه و اوضح علی العالمین عدله و احسانه بالنبی و عترته الطیبین.

از 340v الی 342v: کتاب مختصر در علم هیأت. (متن منثور).

کاتب در آغاز پس از سلام و صلوات چنین مینویسد: این مختصریست در علم هیأت بر حسب اشارت من اشاره حکم و طاعته غنم... مسعود الخافقین المنصور بانظار عنایه الله اکبر جلال الدنیا و الدین امیرزاده اسکندر بهادر خان، خلد الله سبحانه و تعالی خلافته و ملکه. بنده کمتربین جمشید بن مسعود بن محمود الملقب بغیاث در سلک تحریر آورد، هرچند این بنده خود را در صدد مصنفان نمیداند و بعجز و قصور خویش معترف است، امیدوار که بعین رضا ملحوظ گردد و این را مرتب بر بیست باب کردیم.

از 343r الی 344r: کتاب مختصر در علم اقلیدس. (متن منثور).

از 344v الی 345r: رساله کبریت احمر (متن منثور).

کاتب در آغاز پس از سلام و صلوات چنین مینویسد: چون روی روزگار به خال دور زمان حضرت آسمان آشیان خاقان اعظم سلطان اکرم نور دیده عالم خسرو جمشید فر جلال الحق و الدین اسکندر خلد الله ملکه و سلطانه مزین شد و میل این پادشاه بر تربیت فضل و اهل آن مصروف و رای منورش به جمع کمالات و متون علم مشعوف بود در هر فنی مختصری به عرض میرسانیدند، میل خاطر پادشاهانه اش بر بعضی از علوم که سابقان آن را مخفی داشته اند توجّه میفرمود از جمله در اکسیر، بر امر مطاع واجب الاتباع نهاد پیوسته بنا بر حکم المأمور معذور اصول مسایل آن درین اوراق ثبت میشود و آنرا کبریت الأحمر نام نهاده و...

در پایان نیز مینویسد: تمام شد رساله الموسومه به کبریت الأحمر در علم کیمیا بعون الله و حسن توفیقه.

از 345v الی 348r: فقه در مذهب شیعه. (متن منثور)

کاتب پس از سلام و صلوات مینویسد: "این کلمه ای چند است در شرح کلمات مرتضوی امام ابن الامام علی ابن موسی الرضی علیها السلام مشتمل است بر ترجمه الفاظ دُرّبار آن

حضرت و بر بعضی از دقایق که اتمام شرح آن بود و بسط و تحقیق سخن به آن شود... .
در پایان نوشته است: السّلام علی من اتبع الهدی. اینست ختم ترجمه الفاظ متبرّکه
مرتضوی امام ابن اولادم(?) علیها السّلم.

زمینه تمام صفحاتی که این رساله در آن نوشته شده است، طلایی است.

از 348r الی 364v: فقه ابوحنیفه. (متن منثور)

کاتب در پایان نوشته: عبادات فقه این است که گفته شد بر مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله
علیه و السّلم.

364v: سالهای مسعوده.

بجز سطر اول و نیمی از سطر دوم و سوم، بقیه سطور با رنگ طلایی محو و پاک شده
است.

جملات آغازین سطر نخست این است: سال بیست و یک ازدیاد جاه و مرتبت و سال بیست
و سوم فرح خاطر

365r: سالهای مخوفه.

نیم صفحه است و تمام سطور با رنگ طلایی محو شده است. نیمه دیگر صفحه «جدول
ضرب آحاد در آحاد» است.

از 365v الی 372r: معرفت تقویم و اسطرلاب.

کاتب در آغاز کتاب پس از سلام و صلوات نوشته است: "این مختصری است در معرفت
تقویم و اسطرلاب مشتمل بر دو باب".

از 372v الی 542v: کتاب روضه المنجمین.

در پایان نوشته است: تمام شد کتاب روضه المنجمین بعون الله تعالی و حسن توفیقه و
الصلوه علی نبیه محمّد و آله الطّاهرین کتبه التراب اقدم الفقراء و المساکین ناصر الکاتب
احسن الله عواقبه فی سلخ جمیدی الثانی فی سنه اربع عشر و ثمانمائه.

تعداد و ترتیب اوراق

همانطور که اشاره شد، شخصی که احیاناً مالک نسخه بوده تعداد اوراق را ۵۵۲ برگ اعلام
کرده، حال آنکه آنچه‌ی که در اختیار ماست تنها ۵۴۳ برگ است. بنابراین بهتر است ابتدا
جای برگه‌های مفقود شده و جابه‌جا شده را مشخص کنیم.

ما سعی کردیم به کمک منظومه‌ها، دیوانها و نیز رکابه‌های نسخه، ارتباط بین برگه‌ها را
بررسی کنیم.

نتیجه‌ای که از این فرایند حاصل شد چنین بود:

۱- با توجه به توالی ابیات مخزن الأسرار و الهی نامه، جای برگ ۹ باید با برگ ۱۸ عوض شود.

۲- با توجه به توالی ابیات خسرو و شیرین بنظر میرسد بعد از برگ 47، یک برگ (حدوداً صد بیت) مفقود شده است.

۳- با توجه به توالی ابیات لیلی و مجنون جای برگ ۹۹ باید با برگ ۱۰۸ عوض شود.

۴- با توجه به توالی ابیات هفت پیکر نظامی، متوجه میشویم که برگه‌ها از برگ ۱۵۸ تا ۱۶۷ جا به جایی‌هایی دارد. جای برگ ۱۵۹ و ۱۶۶ پس از برگ ۱۶۲ است. بدین ترتیب:

برگ ۱۵۸ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - "۱۵۹" - "۱۶۶" - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۷

۵- با توجه به توالی ابیات هفت پیکر نظامی، ظاهراً برگ ۱۷۷ نیز در جای خود قرار نگرفته است. با بررسی محتویات این برگ دریافته شد که این برگ مربوط به شرفنامه اسکندری است و جای آن پس از برگ ۱۹۶ است.

۶- با توجه به توالی ابیات اقبالنامه اسکندی، چنانکه پیشتر نیز توضیح داده شد ظاهراً دو برگ (حدوداً ۲۰۰ بیت) در بین برگه‌های ۲۹۳ و ۲۹۴ مفقود شده است.

۷- چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، بین برگه‌های ۳۴۲ و ۳۴۳ حداقل شش برگ مفقود شده‌اند.

۸- با توجه به رکابه‌ها و محتوای متن، ظاهراً پس از برگ ۵۴۰ یک برگ مفقود و برگی دیگر جا به جا شده است، و به این صورت باید اصلاح شود:

برگ ۵۴۰- برگ مفقود شده- ۵۳۴- ۵۴۱- ۵۴۲ الخ .

مختصراً عرض شود که ده برگ از این جنگ مفقود شده است و جای آنها چنین است:

جای برگه‌های مفقود شده	تعداد برگه‌های مفقود شده
پس از برگ ۴۷	۱ برگ
بین برگ ۲۹۳ و ۲۹۴	۲ برگ
بین برگ ۳۴۲ و ۳۴۳	۶ برگ
پس از برگ ۵۴۰	۱ برگ

نیز بررسی جنگ اسکندرمیرزا نشان داد که هشت برگ جا به جا شده است که جایگاه اصلی آنها چنین است:

برگ جا به جا شده	جای اصلی برگ
برگ ۹	پس از برگ ۱۷

برگ ۱۸	پس از برگ ۸
برگ ۹۹	پس از برگ ۱۰۷
برگ ۱۰۸	پس از برگ ۹۸
برگ ۱۵۹	پس از برگ ۱۶۲
برگ ۱۶۶	قبل از برگ ۱۶۳
برگ ۱۷۷	پس از برگ ۱۹۶
برگ ۵۳۴	قبل از برگ ۵۴۱

رسم الخط:

یکی از مواردی که در مطالعه نسخ خطی دارای اهمیت است، آشنایی با رسم الخط نسخه است. در جنگ اسکندر میرزای تیموری آنچه بر اهمیت این موضوع می‌افزاید این است که این جنگ را سه کاتب درباری بنام‌های **محمد حلوائی**، **جمشید بن مسعود ملقب به غیاث و ناصر**، نوشته‌اند. در ادامه بمواردی از نکات رسم الخطی جنگ اسکندری، اشاره میشود. سعی بر آن است که نمونه‌ای از رسم الخط هر کاتب آورده شود. ضمناً کلمات را بهمان صورتیکه در جنگ آمده است مینویسیم.

۱- «ذال معجمه»: قاعده بر این است که حرف «د» پس از حروف مصوت به شکل «ذ» نوشته شود. در این جنگ کاتبان عملکرد متفاوتی داشته‌اند.

● محمد حلوائی در ابتدای کتابت اشعار الهی نامه و خمسۀ نظامی این قاعده را رعایت کرده است اما بتدریج میزان رعایت آن کاهش یافته. " هر که درین خانه شبی داذ کرد/ خانه فردای خود آباذ کرد" [f. 15 v]

● غیاث این قاعده را بسیار کمتر رعایت کرده است و در اکثر موارد حرف دال را بهمان شکل «د» نوشته است.

● ناصر این قاعده را بیشتر رعایت کرده است. "جیزی یابذ از براذران رضاع" [f. 553 r]

۲- حرف «گ» در رسم الخط هر سه کاتب بصورت «ک» نوشته شده است.

● "سحرکه مست شو سَنکی برانداز" [f. 62 r]. (محمد)

● "هر جند چیزهای دیگر گفته‌اند". [f. 344 v] (غیاث)

● "از جهت خنیاکران دل تنک شود" [f. 525 r]. (ناصر)

۳- حرف «پ».

● محمد حلوائی حرف «پ» را بیشتر با یک نقطه نوشته است. هر چند شکل سه نقطه آن نیز دیده میشود:

"یکی کَنج بوشیذه داذش نشان" [f. 2855 r].

- غیاث در بیشتر موارد با سه نقطه نوشته است: "پس جمله فلک ثوابت..." [f. 340 v].
- ناصر حرف «پ» را با یک نقطه و به شکل «ب» مینویسد: "میان او و بدر و مادر خلاف روز" [f. 527 r].
- ۴- حرف «چ» را هر سه کاتب با یک نقطه و به شکل «ج» نوشته‌اند.
- چون بدیدند آنجنان اصحابناش / مانده در اندوه و شاذی مبتلاش [f. 138 v]. (محمد)
- قمر را چهار فلک است [f. 342 r] (غیاث)
- "ستاره‌ایست خرد بر بای جب (بر پای چپ)" [f. 536 v]. (ناصر)
- ۵- حرف «ب»، نشانه مضارع التزامی.
- محمد حلوائی، آن را جدا از فعل می‌نویسد:
- "درین هوس که به بینم (= ببینم) بخواهمش گفتن" [f. 192v].
- غیاث و ناصر معمولاً نشانه مضارع التزامی را به فعل می‌چسبانند:
- "آنها بشویند بصابون" [f. 344 v]. (غیاث)
- "میرائی یابذ یا بمیرذ" [f. 523 r]. (ناصر)
- ۶- حرف اضافه «به».
- هر سه کاتب، این حرف اضافه را به کلمه بعد از آن می‌چسبانند:
- "بآبادیش داذ منشور خویش" [f. 284 v]. (محمد)
- "از مغرب بمشرق حرکت می‌کند" [f. 342 r]. (غیاث)
- "می‌باید که همه باندازه یکدیگر باشد" [f. 531 v]. (ناصر)
- ۷- اگر «ی» نکره یا «ای» شناسه مفرد مخاطب ماضی نقلی، پس از کلماتی که به های بیان حرکت (ه) ختم میشوند، بیاید، هر سه کاتب آن را بصورت «ء» مینویسند. مثال:
- "ای دل زمین ببوس که در جان رسیذه / وی جان نثار شو که بجانان رسیذه" [f. 277r]. (محمد)
- "دایره بدید آید" [f. 341 v]. (غیاث)
- "اندر هر خانه که باشد" [f. 484 v]. (ناصر)
- ۸- معمولاً اگر پس از کلماتی که به های بیان حرکت (ه) ختم میشوند، نشانه جمع «ها» بیاید، هر سه کاتب، های بیان حرکت را حذف میکنند.
- "سروش عالم غییم چه مژدها دادست" [f. 203v]. (محمد)
- "که آن نقطهها راس و ذنب است" [f. 342 r]. (غیاث)
- "دلیل بوذن ستارگان در خانههای دوازده گانه" [f. 498 r]. (ناصر)

۹- محمد کاتب گاهی حروف اضافه یا کلمات دیگر را به کلمه پیشین می‌چسباند. این مورد در رسم الخط ناصر و غیاث دیده نشد. مثال:

خدیو آل یاسین انکاز (= آنکه از) الطاف بی‌حدش زمانه می‌کنذ احیا رسوم آل طاهرا [f.154r]

گر ب‌دین شیوه کنذ چشم تو مردمرا مست نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست [f. 164v]
دهر بهر بُستان مفرش رومیکشید (رومی کشید) جرخ بهر کَلستان نزهت بغدادا داذ [f. 273r]

۱۰- محمد کاتب در موارد معدودی، کلمات عربی مختوم به «ه» را بهمان املائی عربی مینویسد. مثلاً:

کزین خلق، امید مهر ان جنانست^۱ که آب حیوه (= حیات) از لب مار خواهی [f. 264r]

لغزشهای کاتبان در جنگ اسکندر میرزا:

۱- اغلاط املائی: این موارد بسیار محدود هستند. مثال:

هرکه شد در هفت خوان خویش چون اسفندیار دار ملک عقل را اسکندر و داراستی [f. 270v]
اهل دین را به توست استظهار اهل کین رابه توست استیسال [f. 306v]

۲- ظاهراً برخی کلمات برای کاتب نامفهوم بوده است. در این موارد به دو صورت عمل میکند:

- یا آن کلمه را نقاشی میکند. مثال:

هرچه می‌آید ز نیک و بد بدان خرسند باش کانچه خواهی ز آسمان ناک نمی‌گردد به جهد [f. 264v]
خواجه شمس الدین صاحب درملی (صاحب دیوان) [f. 147r]

- یا آن کلمه را مینویسد و جای آن را سفید میگذارد. مثال:

امشب ای هم‌نفس صبح گر از من پرسد گو هنوزش نفسی [می‌آید^۲] [f. 227r]
این بود شهادت «ولو العلم» وبین بود [اقرار^۳] [f. 309v]
سحرگه غنچه دعوی با لبِت کرد چنارش دست [بُرد دهمن زد] [f. 316v]

۱- نسخه: "کزین خلق امید مهر وفا آنچنان لمتد". تصحیح بر اساس (دیوان ابن یمین فریومدی، تصحیح نفیسی: ص ۱۳۳).

۲- (دیوان ابن یمین فریومدی، تصحیح نفیسی: ص ۶۱): "لأن" و (دیوان ابن یمین فریومدی، تصحیح باستانی راد: ص ۳۸۶): "خلی".

۳- (دیوان نزاری قهستانی، جلد ۱، ص ۱۱۷۶): "گو هنوزش نفسی هم به رجا می‌آید".

۴- (کلیات فخرالدین عراقی: ص ۱۳۱): "وین بود فرشته را هم اقرا".

۵- (دیوان ناصر بخاری، ص ۲۴۴): "گست غیتو".

۳- در چندین مورد دیده میشود که مصرعهای دو بیت با هم خلط شده و تبدیل به یک بیت شده‌اند.

● آنجا که بحر نامتناهی است موج زن سرگشتگی است مصلحت ذره در هوا [f. 142v]

شعر از فریدالدین عطار است و در اصل چنین بوده:

جایی که آفتاب بتابد ز اوج عز سرگشتگی است مصلحت ذره در هوا

آنجا که بحر نامتناهی است موج زن شاید که شب‌نمی نکند قصد آشنا^۱

● گفتم که از تو هیچ نیارم کنار کرد گفتم که سرو خونی نه سرو جویبار [f. 160r]

شعر از عمید لویکی است و در اصل چنین بوده است:

گفتم که از تو هیچ نیارم کنار کرد گفتم ز جان خویش کسی چون کند کنار

گفتم که قامت تو چو سروی ست نازنین گفتم که سرو خوبی نه که سرو جویبار^۲

۴- گاهی کاتب، اشتباهاً بجای یک کلمه، کلمه دیگری نوشته است که گاهی آن را اصلاح میکند و گاهی نه. برای مثال کاتب، ردیف را در این غزل از امیر خسرو دهلوی، تا بیت سوم «من گن» و از بیت چهارم به بعد «من دار»، نوشته است. این غزل مجموعاً هفت بیت دارد:

بیت ۱: نگارا چشم رحمت سوی من کن عنایت بر تن چون موی من کن

بیت ۴: هنوزم چند خواهی سوخت ای چرخ بکش یا دوست را پهلوی من دار [f. 336r]

یا در بیت زیر کاتب مصرع نخست را اشتباه نوشته و بعداً با نوشتن کلمه درست در بالای آن سعی کرده که این اشتباه را تا حدودی اصلاح کند. تقریباً به این شکل:

هر که در عشق پای برجا نیست^۳ سر خود در حساب نشمردست [f. 337r]

۵- کاتب بیش از بیست شعر را در مواضع مختلف جنگ تکرار کرده است. مصرع نخست، نام شاعر و صفحاتی که این اشعار در آن آمده است را در جدول زیر میبینید.

مطلع	صفحات	نام شاعر
------	-------	----------

۱- رک: (دیوان عطار نیشابوری، تصحیح نفیسی: ص ۱) / (دیوان عطار نیشابوری، تصحیح تفضلی: ص ۷۰۱).

۲- (دیوان عمید لویکی: ص ۱۳۱). بر هر صاحب ذوقی پیداست که ضبط جنگ بهتر است.

۳- (دیوان حسن دهلوی: ص ۶۱): "هرکه در عشق پای نفشردمته".

ای امیر المؤمنین شاه جهان داور تویی	144v و 303v	حمزه کوچک (144v) / کسایی (303v)
خدایو آل یاسین آنکه از الطاف بی حدش	154r و 267r	شمس الدین شرفشاه
منه به برگ سمن پیش توده عنبر	157r و 306v	شهاب الدین (306v) / شهاب مریم (157r)
بر سر کوی غمش بی سر و پا باید رفت	164r و 324r	خواجه جمال الدین سلمان [ساوجی]
چون ربود از من جوانی گردش گردون پیر	166v و 272v	وحید الدین (166v) / خواجه وجیه الدین (177v)
گر وصل آن نگار میسر شود مرا	186v و 195v	اوحدی
من نخواهم برد جان از دست دل	187r و 194v	اوحدی
دیده بسیار نگه کرد به هر بام و دری	190r و 191r	اوحدی
نازنین عیب نباشد که کند ناز ای دل	190v و 191v	اوحدی
مشتاق آن نگاریم آیا کجاست گویی	190v و 191v	اوحدی
آن چشم مست بین که دلم گشت زار ازو	190v و 191v	اوحدی
دشمن از بهر تو گر طعنه زند در دل من	191r و 192r	اوحدی
ترک من دی رقم مشک به مه بر زده بود ^۱	186r و 322r و 195r	اوحدی
کنون که بر کف گل جام باده صاف است	204r و 331r	شمس الدین محمد حافظ

۱- مصرع نخست در صفحه ۱۹۵۲ چنین است: "ترک من دی رقم مشک به هم برزده بو" و در صفحه ۲ نیز چنین آمده است: "به سر زلف سیه دوش گره بر زده بو".

امیر خسرو دهلوی	231r و 232v	باز آن حریف بر سر سودای دیگر است
امیر خسرو دهلوی	231r و 333r	مست آمده‌ای باز به مهمان که بودی
امین الدین دادا (329r) / امین الدین تبریزی (234r)	234r و 329r	مطلع نور سعادت طلعت زیبای توست
شمس الملک کرمانی	254v و 323r	ایا صبا گرت افتد بر آن پری رخسار ^۱
فخر الدین عراقی	255v و 314v	رخ نگار مرا هر زمان دگر رنگ است
فخر الدین عراقی	256v و 321v	سرّ عشقت کس تواند گفت نی
فخرالدین عراقی	256r و 321v	شاد کن جان من که غمگین است
ابن یمین	262v و 263r	گفتند که صحبت بزرگان
ابن یمین	264r و 264v	کسی که لاف بزرگی همی زند بنگر
ابن یمین	264r و 265r	دشمن خرد را حقیر مدار
عمید شانه‌بند	268v و 314v	ای روی تو آیینۀ اسرار الهی
شمس الدین محمد حافظ	(تکرار در یک صفحه) 280v	نقدها را بود آیا که عیاری گیرند
سیف الدین باخزری (281v) / ملک صدرالدین (281r)	281r و 281v	گر با غم عشق سازگار آید دل ^۲

۱- این مصرع در صفحه 254v چنین است: "ایا صبا گذری کن [بر آن] پری رخسار".

۲- این مصرع در صفحه 281r چنین است: "گر در غم هجر سازگار آیدان".

ای رشته چو قصد لعل کانی کردی	283r و 284r	مهستی
در عشق تو عافیت حرام است	329r و 331r	امیر کرمانی (329r) / خاقانی (331r)

چنانکه ملاحظه میشود دو نکته مهم در این جدول مشهود است، یکی اینکه صفحه 191v دقیقاً رونوشت صفحه 190v است. و نکته مهمتر این است که در این جُنگ سه شعر وجود دارد که دو بار تکرار شده و هر بار بنام یک شاعر متفاوت آمده است. این مسئله نشان میدهد که کاتب پس از نوشتن چندین صفحه از اشعار، مجدداً برمیگشته و این بار نام شاعران را بر روی شعرها، مرقوم نمیکرده است؛ لذا در مواردی دچار اشتباه شده و نام کس دیگری را بر روی شعر نوشته است.

مثال روشن آن نیز شعری است که تحت نام «کسای» آمده، اما تخلص «حمزه کوچک»، در انتهای شعر مشهود است. (رک: جُنگ اسکندر میرزای تیموری: f. 303v)

۶- چنانکه دیدید، کاتب در نوشتن عنوان نام شاعران نیز دچار لغزش شده است؛ این لغزش سبب شده است علاوه بر اینکه یک شعر بنام دو نفر آورده شود، نام چند شاعر دیگر نیز از قلم بیفتد. نمونه بارز آن در صفحاتی است که اشعاری تحت نام «بساطی» آمده است. این اشعار از صفحه 274r آغاز شده است و تا صفحه 278v با جملاتی مانند: «و له» و «ایضاً له»، ادامه دارد. اما نکته جالب توجه آن است که در میانه این اوراق، و در زیر رگبار «ایضاً له»ها، اشعاری آمده است که تخلص شاعرانش «قوام»، «فتحی» و «حسینی» است؛ اما در هیچ موضعی از جُنگ (جز در بیتهای تخلص) نام ایشان را نمیبینیم.

نتیجه:

غرض از نگارش این مقاله معرفی و نقد جُنگ اسکندر میرزای تیموری بود. این جُنگ از آن جهت که سه کاتب درباری آن را در آغاز قرن نهم نگاشته‌اند، بسیار دارای اهمیت است، زیرا این کاتبان قطعاً به منابع بسیار ارزشمندی از کتابخانه سلطنتی دسترسی داشته‌اند و خودشان نیز از سواد قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. بنابراین، این جُنگ میتواند یکی از منابع جَنبی بسیار مهم در بازیابی و تصحیح برخی از اشعار از دست رفته یا مغلوپ باشد. این جُنگ تقریباً بیش از چهارصد نام شاعر را به همراه نمونه‌هایی از اشعارشان در خود گنجانده است که در مواردی آن اشعار را جز در این جُنگ در جای دیگری نمیتوان یافت. اما از آنجا که کاتبان در نوشتن نسخ خطی همواره با محدودیتهایی مواجه بوده‌اند، در هر

نسخه خطی اشکالاتی دیده میشود که جنگ اسکندر میرزای تیموری نیز از این قضیه مستثنی نبوده و اشکالاتی دارد که در این مقاله به آنها پرداختیم و نشان دادیم که کاتبان در مواردی مانند انتساب اشعار، ضبط و املاي برخی کلمات و... چگونه دچار لغزش شده‌اند. همچنین با توجه به اهمیت رسم الخط کاتبان در مطالعه متون قدیم، ما نیز به این مسئله پرداخته و نشان دادیم که هر کدام از سه کاتب چه نکاتی را در رسم الخط خود رعایت کرده‌اند. همچنین این مقاله محلّ اوراق مفقود شده و یا جا به جا شده را مشخص نموده است.

منابع و مأخذ:

- جنگ اسکندر میرزای تیموری؛ کتابخانه ملی انگلستان به شماره ۲۷۲۶۱:
http://www.bl.uk/manuscripts/Viewer.aspx?ref=add_ms_27261
- «اشعار نویافته شاعران قدیم کرمان در سفینه سعد الهی»، چترایی، مهرداد (۱۳۹۲) مجله آینه میراث، شماره ۵۳، صص ۶۷-۹۶.
- «دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز»، جلال‌پور، حسین (۱۳۹۴) متن شناسی ادب فارسی دانشگاه سمنان (علمی پژوهشی)، دوره جدید، شماره ۱، (پیاپی ۲۵)، صص ۹۳-۱۱۴.
- «فهرست جنگ اسکندر میرزای تیموری» افشار، ایرج و مهدوی، اصغر (۱۳۶۵) مجله فرهنگ ایران زمین؛ شماره ۲۶؛ صص ۱۹۰-۲۰۵.
- اقبالنامه، نظامی گنجوی (۱۳۸۱) تصحیح برات زنجانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خمسه خواجه کرمانی، خواجه کرمانی (۱۳۷۰) تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- دیوان اشعار، حسن دهلوی (۱۳۸۳) تصحیح: احمد بهشتی شیرازی و حمیدرضا قلیچ خانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دیوان اشعار، خاقانی شروانی (۱۳۱۶) تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: انتشارات چاپخانه سعادت.
- دیوان اشعار، عمید لویکی (۱۹۸۵) تصحیح دکتر نذیر احمد، لاهور: انتشارات مجلس ترقی ادب.
- دیوان اشعار، فریدالدین عطار نیشابوری، (۱۳۶۸) تصحیح تقی تفضلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیوان اشعار، فریدالدین عطار نیشابوری، (۱۳۳۹) تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- دیوان اشعار، ناصر بخاری، (۱۳۵۳) تصحیح مهدی درخشان، تهران: انتشارات نوریانی.

- دیوان اشعار، نزاری قهستانی (۱۳۷۱) تصحیح مظاهر مصفا، تهران: انتشارات علمی.
- فهرستواره کتابخانه مینوی، دانش‌پژوه، محمد تقی و افشار، ایرج (۱۳۷۴) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلیات ابن یمین، ابن یمین فریومدی (۱۳۱۸) تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات مروج.
- کلیات ابن یمین، ابن یمین فریومدی (۱۳۴۴) به تصحیح حسینعلی باستانی راد، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- کلیات عراقی، فخرالدین عراقی (بی‌تا) تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- نفحات الأنس من حضرات القدس، عبدالرحمان جامی، نورالدین (۱۳۸۶) تصحیح محمود عابدی، تهران: انتشارات سخن.
- هفت پیکر، نظامی گنجوی (۱۳۸۹) تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: انتشارات زوآر.